

بن‌بست	تجربه‌های موفق ساخت توالت‌های عمومی علی رنجی‌پور	۱۴	کاریکاتور و طنز دیروز ایران از نگاه جواد مجابی	۱۵	دنیای بی‌حروف پیشقراولان کارتون حسن کریم‌زاده	۱۵	حقوق کودکان در لایه‌های سنتی جلمه نعمت احمدی	۱۶	حقوق کودکان در لایه‌های سنتی جلمه نعمت احمدی
------------------------	--	-------------	--	-------------	--	-------------	---	-------------	---

حرفه نقاشی

زمین نی‌پور

به تماشای آثار فیلیپ تاف

میدان‌های جغرافیایی فعال

فیلیپ تاف هنرمند آمریکایی در سال ۱۹۵۵ در نیوجرسی امریکا متولد شد. او فارغ‌التحصیل رشته هنرهای زیبا از کوپر یونیون در نیویورک است و اولین نمایشگاه انفرادی‌اش را در سال ۱۹۸۲ در نیویورک بر گزار کرد. این نمایشگاه به گفته خود هنرمند و بسیاری از منتقدان هنری، آغازگر آشنایی هنردوستان و هنرمندان با دنیای ترکیبی تاف بود. یکی از اصلی‌ترین مشخصه‌های آثار این هنرمند، تأثیرپذیری و در بسیاری موارد حضور بلامنازع ردپای هنرمندانی همچون ماتیس در آثارش است. او که از علاقه‌مندان سبک کوبیسم است از سال‌های ابتدایی دهه ۱۹۸۰ قرض گرفتن فضاها، ترکیب‌بندی‌ها و رنگ‌ها را از آثار هنرمندان بنام پیش از خودش آغاز کرد و پیشگام مسیری شد که رهروان بسیاری دارد. او در یکی از معروف‌ترین آثارش سراغ موتیف نقاشی‌های بارنت نیومن در اثری به نام «چه کسی از قرمز، زرد و آبی می‌ترسد؟» رفته، با تبدیل کردن ایسن موتیف به پیش‌پش‌هایی رنگارنگ و رها و با انتخاب زیرکانه نام «ما نمی‌ترسیم» انگاری پاسخی امروزی و ماندگار به اثر نیومن داده است. در اثری به نام «نافرمانی» او اثر برجیت رابلی به همین نام را به کلی از نو ساخته و تفسیری دیگرگونه از آن پیش روی بیننده قرار می‌دهد.

گرچه بسیاری از منتقدان دیروز و امروز آثار تاف، تلاش‌های او برای اقتباس از آثار هنرمندان بزرگ را «تقلیدی کودکانه از آنچه ماندنی است» و «روشی هوشمندانه برای رسیدن به شهرت یک‌شبه» می‌خوانند اما او به مسیر خود ادامه می‌دهد و معتقد است آثارش رسانه‌ای برای مرور هنر مدرن خواهند بود. نگاهی به فهرست نمایشگاه‌هایی که در آنها آثار فیلیپ تاف به نمایش درآمده نشان می‌دهد عموم هنردوستان، گالری‌داران، مجموعه‌داران و حتی مخاطبان عام، اقبال کمی‌نظیر به آثار این هنرمند ۵۵ ساله داشته‌اند. او در دوسالانه‌هایی معتبر مثل دوسالانه سیدنی و ویتنی بارها و بارها شرکت کرده و موزه‌هایی جریان‌ساز از جمله موزه هنرهای مدرن نیویورک، موزه هنرهای زیبای فیلادلفیا و گالری تیت لندن آثارش را به نمایش گذاشته‌اند و بعضی از آنها را به مجموعه دائمی آثار گرانهای خود افزوده‌اند.

فیلیپ تاف به سفر علاقه بسیار دارد. او در سال‌های مختلف به کشورهای خاورمیانه، هندوستان، آفریقای جنوبی و مراکش سفر کرده و سوغات این سفرها را به وضوح می‌توان در دسته‌ای از نقاشی‌هایش دید. این اما تنها دستاورد این جهانگردی‌هایش نیست. او در بعضی از این سفرها با هنرمندان بنام کشور مقصد همکاری‌های مختلفی انجام داده است مثلاً در مراکش، تاف با محمد مریات هنرمند بنام مراکشی کتاب «کرم‌های شکلاتی و دلار» را تهیه و چاپ کرده و جالب اینکه این کتاب در اصل در همان کشور مراکش چاپ شده و بعدها پل پولز آن را به انگلیسی ترجمه کرده است. تاف مدتی هم مهمان مردمان نپال بوده و از آنجا هم رنگ‌های روشن، نقوش پیکر جانوران و طراحی‌های روی کاغذ را با خود آورده است. تاف خود معتقد است هنری که نتواند با تمام مردمان کره زمین ارتباط برقرار کند، هرگز به تعالی نخواهد رسید. شاید به همین دلیل است که می‌کوشد با افزودن جاشنی‌های مختلف فرهنگی به آثارش، آنها را به سیر در جهانی دعوت کند که مختص یک فرهنگ خاص نیست، بلکه ملغمه‌ای است از تمام تصاویر و مفاهیمی که سراسر زمین آنها را می‌پهنند و با آن ارتباط برقرار می‌کنند.

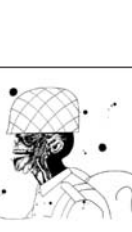
شاید بتوان تاف و آثارش را یک کیسول تاریخی دانست که بسیاری از هنرمندان و آثارشان در آن فشرده شده‌اند. در بسیاری از آثار تاف همان‌طور که پیشتر اشاره شد، به خوبی می‌توان حضور نقاشان بنام گذشته را حتی تا قرن هجدهم و پیش از آن دنبال کرد. علاوه بر این، نقاشی‌های او بازتابی از فرهنگ‌های گذشته و بعضاً فراموش‌شده‌ای است که در سراسر زمین به وفور یافت می‌شوند. البته او خود را به هیچ ملیت و دوره تاریخی و سبکی محدود نمی‌کند. گواه این ادعا هم استفاده او از هنر خطاطی شرقی و خصوصاً عربی است. نقاشی‌های او به تاریخ احترام می‌گذارند و آن را دوباره در خود و این بار از دریچه دید یک هنرمند قرن بیست و یکمی ثبت می‌کنند. این وجه از تاریخ هنر اما تنها ویژگی منحصر به فرد آثار فیلیپ تاف نیست. او همچنین با استفاده از طرح‌هایی انحصاری با زاویه دیدی عجیب، رنگ‌ها را در کنار هم و در قالب یک اثر به گونه‌ای قرار می‌دهد که نقاشی‌اش به صورت سه‌بعدی ظاهر می‌شود.

او به نمایشگاه‌هایش به شکل پروژه‌های کاری نگاه می‌کند. آنها را جدی می‌گیرد و در نهایت برای هر نمایشگاه مجموعه‌ای جدید را رو می‌کند که تنها به همان نمایشگاه و به همان گالری با موزه تعلق دارد. مثلاً برای نمایشگاهی به نام «آثار کاغذی فیلیپ تاف» که چندی پیش در گالری گاکوسین برگزار شد، او سراغ نمادهای ریاضی و سایر سمبل‌های علمی رفته و تا حد امکان، حتی گوشه‌ای از کاغذش را هم سفید باقی نگذاشته است. این نمادها اما سرشار از تمام موضوعات و علائمی‌اند که ریاضیدانان و دانشجویان این رشته مدام با آنها سروکار دارند. در مجموعه دیگری برای نمایشگاه دیگری او دست به دامان طبیعت و باستان‌شناسی شده و از این طریق تصاویری از سیر تاریخ تمدن پیش روی مخاطبانش قرار می‌دهد. در این مجموعه یک نقاشی درباره آتش‌بازی‌های اژدهاست و دیگری تصویری از جمجمه انسان‌های نخستین است. بسیاری از این نقوش و طراحی‌ها در آثار فیلیپ تاف به شکل تصویری در دل تصویر دیگر بروز پیدا می‌کند. او در بسیاری از آثارش از کاغذ پاستری استفاده می‌کند که اولین تولید و استفاده فراگیرش به سال‌های نخستین قرن هجدهم می‌رسد. او در این آثارش از تکنیک‌ها و موادی استفاده می‌کند که سال‌ها پیش برای آراستن کتب قیمتی به کار می‌رفتند. شاید از این طریق است که دیدن آثار تاف در چشم بیننده‌های مدرن امروزی حس غریبی را در آنها القا می‌کند. حتی می‌توان گفت او سابقه هنر در قرون گذشته را به امروز منتقل می‌کند و از همه مهم‌تر اینکه آن را قابل باور و قابل فهم نمود می‌دهد.

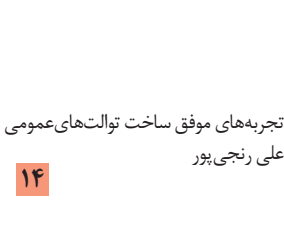
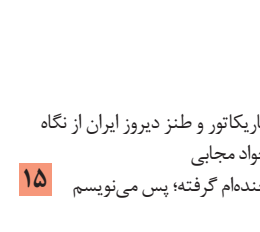
او خود درباره مجموعه‌های نقاشی‌اش می‌گوید: «اساس آنچه من روی بوم خلق می‌کنم تماماً به فرآیند به تصویر کشیدن جهان پیرامونم برمی‌گردد. رویکرد من به تکرار به تأثیر ماندگار استفاده از رنگ و خط مربوط می‌شود. اگر من و بیننده به این نکته توجه کنیم و ببینیم چگونه خطوط ظاهراً بی‌ربط در قالب مفاهیم آشنای بشری متبلور می‌شوند فهم آثار و دوست داشتن آنها دیگر چندان سخت نخواهد بود.» مثل این است که آثار تاف را به «میدان‌های جغرافیایی فعال» توصیف کنیم که هر کدام بخشی از تاریخ و جغرافیای زمین را در برمی‌گیرند و بعضاً از سال‌های گذشته بیرون می‌آیند و پیش روی ما قرار می‌گیرند.

از سال ۲۰۰۳ تاکنون، تاف به تکنیک قدیمی مرمرسازی یا marbling روی آورده و این کار را با کاغذ و روی بوم انجام می‌دهد. اثری سیالی که او چنین به تصویر می‌کشد و به بیننده انتقال می‌دهد در مجموعه‌اش به نام «رنگدانه‌های شناور» به خوبی مشهود است. این مجموعه اساساً به نقوش اسلیمی و طرح‌های شرقی برمی‌گردد. و این وجهی از آثار فیلیپ تاف است که تاکنون کمتر عرصه خودنمایی داشته است. او بعدی از زیبایی‌شناسی‌اش را رمزگشایی کرده که منحصرأ به او تعلق دارد؛ بعدی که در آثار پیشین او و به خاطر مندهای مورد استفاده‌اش سر به مهر مانده بود.

بسیاری فیلیپ تاف را به عنوان نقاش مدرنی می‌شناسند که رگه‌های آبستره را به وضوح می‌توان در آثارش دید. بعضی دیگر هنر او را دکوراتیو و تزئینی می‌بینند و بقیه هم از هر نوع دسته‌بندی و برخورد جزئی‌نگرانه با آثار او خودداری می‌کنند. اما به جرات می‌توان گفت تاف حتی اگر به تقلید از تاریخ متهم شود، این کار را با مهارت و خلاقیتی انحصاری انجام داده و تأثیری انکارناپذیر بر مسیر تاریخ هنر مدرن داشته است.



۱۵



نقاشی زرد، ۱۹۸۴



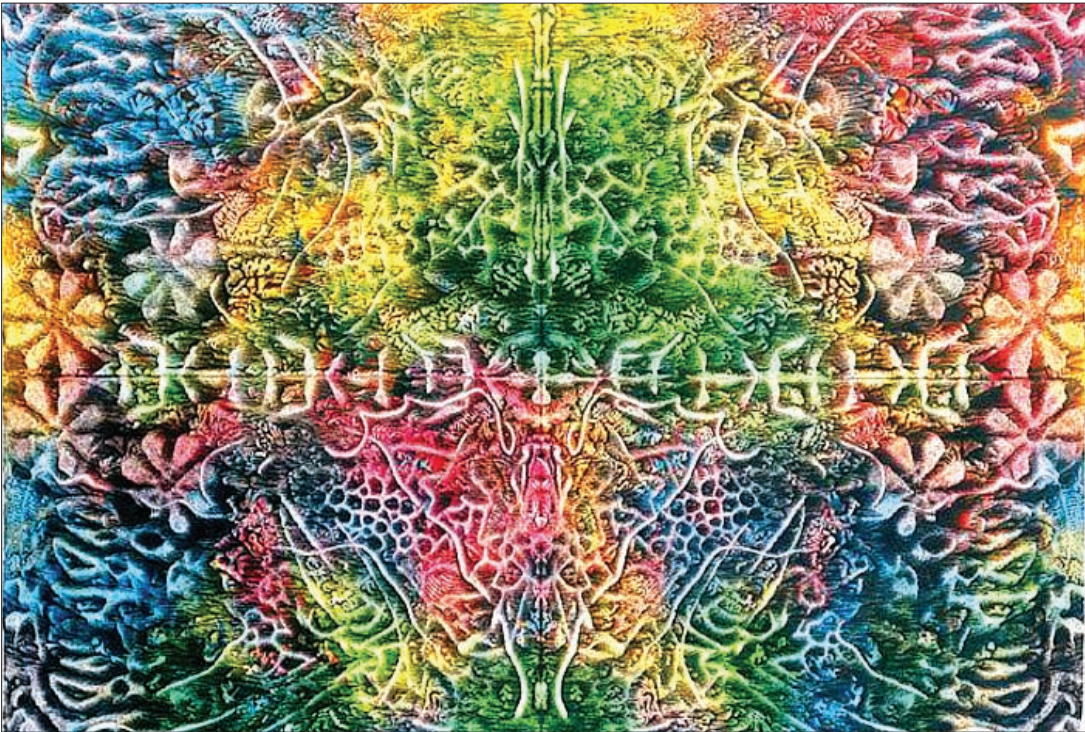
ترکیب‌بندی با قطعات تزیینی ۲۰۰۹ (۸)



ما نمی‌ترسیم



مطالعه خطاطی



سایساکاسا

